

پرسش ۱۲۵: چرا قایل ها بیل را کشت؟

سؤال / ۱۲۵: لماذا قتل قایل هابیل؟ وهل صحیح أن آدم أراد تزویج کل منهما توأم الآخر فأبی قایل؟ فأمرهم آدم بتقريب القربان للتأكد من هذا الأمر؟!

چرا قایل ها بیل را کشت؟ و آیا صحیح است که آدم (علیه السلام) می خواست هر یک را به ازدواج همزاد دیگری در آورد ولی قایل رد کرد و نپذیرفت؟ و آدم (علیه السلام) برای تاکید بر این موضوع، به آنها دستور داد قربانی پیش آورند؟!

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين

في هذه المسألة لغط كثير، والحقيقة أن الله سبحانه وتعالى حرّم زواج المحارم في أم الكتاب [73]، وكل الشرائع والكتب السماوية فيها هذا التحريم، وفي شريعة آدم كذلك، فمسألة زواج ولد آدم (عليه السلام) هي كالتالي: ولدت حواء لآدم (عليه السلام) قایل ثم هابيل، وتزوج قایل امرأة خلقها الله سبحانه له وكانت طالحة، وهابيل تزوج امرأة خلقها الله له وكانت سالحة. وهاتان الزوجتان خلقهما الله كما خلق آدم وحواء من قبل، أي إن الله خلق زوجتين لقایل وهابيل بقدرته سبحانه وتعالى.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليمًا.

سخنان ناروای بسیاری در این خصوص به میان آمد و حقیقت آن است که خداوند سبحان و متعال ازدواج با محارم را در ام الكتاب حرام نموده [74] و این تحریم در تمام شرایع و کتاب های آسمانی وجود داشته است، و از جمله در شریعت آدم. موضوع ازدواج فرزندان آدم (علیه السلام) به این شرح می باشد: حوا برای حضرت آدم (ع)، قایل و

سپس هابیل را به دنیا آورد. قابیل با زنی که خدای سبحان خلق کرده بود ازدواج کرد و آن زن، نابکار بود. هابیل هم با زنی که خدای سبحان آفرید ازدواج کرد و آن زن، نیکوکار بود. این دو زن را خداوند آفرید همان طور که پیش از آن، آدم و حوا را آفریده بود؛ یعنی خداوند سبحان و متعال با قدرت خود، برای قابیل و هابیل دو همسر آفرید.

ثم إن الله أمر آدم أن يُعَيِّنَ وصيه هابيل (عليه السلام)، فلما علم قابيل اعتراض على أمر التعيين، فأخبره آدم أن الأمر من الله وليس منه. وأمرهم بتقريب قربان إلى الله، فقرب هابيل كبشاً سميناً وقرب قابيل سنابل تالفة، فتقبل قربان هابيل وأكلته النار. فتسعر الحقد في نفس قابيل على هابيل، ووسوس له الشيطان (لعنه الله) قتل أخيه، وطوّعت له نفسه الأمانة بالسوء قتل أخيه، فقتل قابيل هابيل حسداً، لأنه وصي آدم فتحقق وعد إبليس (لعنه الله) بالغواية، فأغوى قابيل وأصابه بدائه وهو (الأنثى) والتكبر ومن لوازمها مرض الحسد .

سپس خداوند به آدم (علیه السلام) دستور داد هابیل (علیه السلام) را به عنوان وصی اش تعیین کند. وقتی قابیل فهمید، بر این فرمان تعیین (وصی) اعتراض کرد، و آدم به او خبر داد که این فرمان از سوی خداوند است و نه از جانب خودش و آدم (علیه السلام) آن دو را به پیشکش کردن قربانی در راه خدا فرمان داد. هابیل قوچ فربه‌ای آورد و قابیل خوشه‌هایی تلف شده. قربانی هابیل پذیرفته شد و آتش آن را بلعید. آتش کینه‌ی هابیل در نفس قابیل شعله کشید و شیطان لعنه الله او را بر کشتن برادرش وسوسه کرد و نفس امّاره‌اش او را به کشتن برادر ترغیب نمود. قابیل از روی حسادت هابیل را به قتل رسانید؛ چرا که او وصی آدم بود و به این ترتیب وعده‌ی ابلیس لعنه الله بر گمراه کردن، محقق شد؛ قابیل را اغوا نمود و او را به درد خود که همان منیت و تکبر است و مرض حسادت از ملزوماتش می‌باشد، مبتلا ساخت.

أما بقية الذرية، فإن زوجة هابيل كانت حاملاً فولدت ذكراً، وولد لآدم (عليه السلام) بعد ذلك شِيث ويافث، فولدت زوجة شِيث ذكراً وأنثى، وولدت زوجة يافث أنثى، فتزوج ابن هابيل ابنة شِيث، وتزوج ابن شِيث ابنة يافث.

اما در مورد ساير فرزندان، همسر هابيل باردار بود و پسری به دنیا آورد. پس از آن برای آدم (عليه السلام)، شِيث و يافث متولد شدند. همسر شِيث، يك پسر و يك دختر به دنیا آورد و همسر يافث يك دختر. پسر هاييل با دختر شِيث ازدواج كرد و پسر شِيث، دختر يافث را به همسری گرفت.

والأنبياء (عليهم السلام) من ذرية هؤلاء، وهذا هو فصل الخطاب، ولا يُكثِر الكلام في هذا الأمر بعد هذا البيان إلا كذاب على الله ورسوله.

پیامبران (عليهم السلام) از نسل اینها هستند و این فصل الخطاب و سخن نهایی است و هر کس پس از این بیان، به سخن سرایی بپردازد، بر خدا و فرستاده اش دروغ بسته است.



[73] - روى زرارة عن أبي عبد الله (عليه السلام): (أن آدم (عليه السلام) ولد له شِيث وأن اسمه هبة الله، وهو أول وصي أوصي إليه من الأدميين في الأرض، ثم ولد له بعد شِيث يافث، فلما أدركا الله عز وجل أن يبلغ بالنسل ما ترون وأن يكون ما قد جرى به القلم من تحريم ما حرم الله عز وجل من الأخوات على الاخوة أنزل بعد العصر في يوم خميس حوراء من الجنة اسمها نزلة، فأمر الله عز وجل آدم أن يزوجه من شِيث فزوجها منه، ثم أنزل بعد العصر من الغد حوراء من الجنة واسمها منزلة فأمر الله عز وجل آدم أن يزوجه من يافث فزوجها منه، فولد لشيث غلام وولد ليافث جارية فأمر الله عز وجل آدم حين أدركا أن يزوج ابنة يافث من ابن شِيث ففعل، فولد الصفوة من النبيين والمرسلين من نسلهما، ومعاذ الله أن يكون ذلك على ما قالوا من أمر الاخوة والأخوات) من لا يحضره الفقيه : ج3 ص 381 ح 4337.

[74] - زرارة از ابو عبد الله ع روایت می کند که فرمود: «شيث که هبة الله نامیده شد، برای آدم ع متولد شد و او اولین وصی از آدمیان بر این زمین بود که بر او وصیت شد. آنگاه يافث پس از شِيث برایش به دنیا آمد، و چون این دو به حد بلوغ رسیدند، خداوند عزوجل خواست که نسل بشر در دنیا فزونی یابد چنان که مبینید، و نیز قلم تقدیر جاری شود که بعضی بر بعض دیگر

حرام باشند از خواهران بر برادران. پس از عصر روز پنج‌شنبه حوریه‌ای را از بهشت بنام نزله فرو فرستاد. پس خداوند عزّ و جلّ آدم را فرمود تا وی را به شیث ترویج نماید و آدم وی را به زوجیت دائمی شیث درآورد، و پس از عصر فردای آن روز حوریه‌ی دیگری از بهشت بنام منزله فرو فرستاد، و امر فرمود که آدم او را به زوجیت یافت درآورد و آدم این فرمان را به انجام رسانید. شیث دارای فرزند پسری شد و یافت نیز دارای فرزند دختری گردید. چون این دو فرزند به حدّ بلوغ رسیدند خداوند عزّ و جلّ امر فرمود تا آدم، دختر یافت را به عقد نکاح پسر شیث درآورد و آدم این فرمان را نیز اجرا کرد. پس خالصان و پاکان از انبیا و فرستادگان از نسل این دو فرزند می‌باشند، و پناه بر خدا از آن که گفته‌اند از برادران و خواهران می‌باشند». من لا یحضره الفقیه: ج 3 ص 381 ح 4337.